

آزمون حضوری
شماره یک

ویژه کنکور
۱۴۰۴



رشته انسانی
پایه دوازدهم

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز

نام درس	مؤلف	از صفحه	تا صفحه
ریاضی و آمار	احمد رضا رسولی	۲	۳
علوم و فنون ادبی	سیاوش خوشدل	۴	۸
جامعه‌شناسی	محمدابراهیم مازنی	۹	۱۱
عربی	آریا ذوقی	۱۲	۲۶
تاریخ	علیرضا کاهیدوند	۲۷	۲۷
جغرافیا	علیرضا کاهیدوند	۲۸	۲۹
فلسفه	مجید پیرحسینلو	۳۰	۳۷
روان‌شناسی	محمدابراهیم مازنی	۳۸	۴۴



آشنایی با منطق و استدلال ریاضی

گزاره: هر جمله خبری که در حال حاضر (یا آینده) بتوانیم دقیقاً یکی از ارزش‌های درست یا نادرست را به آن نسبت دهیم.
نقیض گزاره: نقیض گزاره P را $\sim P$ همه نشان داده و می‌خواهیم «نقیض P » یا چنین نیست که P .

P	$\sim P$
د	ن
ن	د

ترکیب فصلی دو گزاره: فقط زمانی نادرست است که هر دو گزاره نادرست باشند. علامت (V)
ترکیب شرطی دو گزاره: به صورت $p, p \rightarrow q$ را مقدم و q را تالی می‌نامیم؛ فقط زمانی مقدم درست و تالی نادرست باشد.
ترکیب عطفی دو گزاره: به صورت $q \wedge q$ نشان می‌دهیم و فقط زمانی درست است که هر دو گزاره درست باشند.

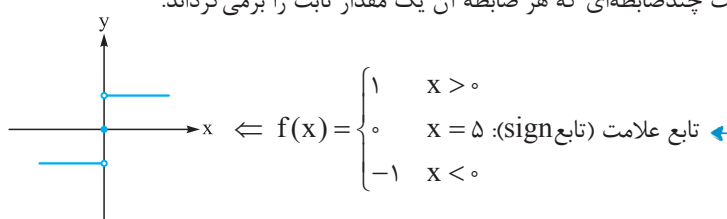
انواع توابع

تابع ثابت: به ازای هر ورودی، یک مقدار ثابت را برمی‌گرداند، ضابطه تابع $y = c$ که c عددی ثابت است؛ مثلاً $c = 2$.

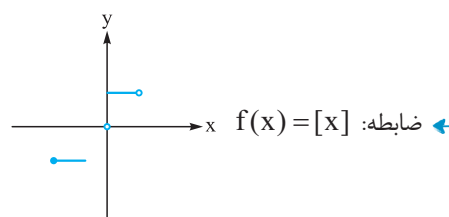
تابع چندضابطه‌ای: تابعی که به ازای مقادیر مختلف x ضابطه‌های متفاوتی دارد؛ مانند:

$$f(x) = \begin{cases} x^2 & x > 0 \\ 2x + 1 & x < 0 \end{cases}$$

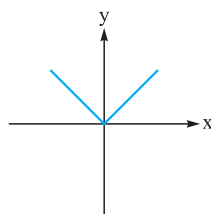
تابع همانی: تابعی که به ازای هر ورودی همان ورودی را به عنوان خروجی برمی‌گرداند. ضابطه تابع:
 $f(x) \Rightarrow c$
 تابع پلکانی: تابعی است چندضابطه‌ای که هر ضابطه آن یک مقدار ثابت را برمی‌گرداند.



انواع تابع پلکانی: تابع جزء صحیح: به ازای هر عدد x ، کوچک‌ترین عدد صحیح بزرگ‌تر یا مساوی x را برمی‌گرداند.



تابع قدر مطلق: به ازای هر ورودی x ، مقدار مثبت x را برمی‌گرداند. ضابطه $f(x) = |x|$



اعمال روی توابع

جمع و تفریق توابع: $f \pm g(x) = f(x) \pm g(x)$ مثال: $f'(x) = x^2, g(x) = 2x \rightarrow f \pm g(x) = x^2 \pm 2x$

ضرب توابع: $f \times g(x) = f(x) \times g(x)$ مثال: $f(x) = x^2, g(x) = 2x \rightarrow f \times g(x) = x^2 \times 2x = 2x^3$

تقسیم توابع: $f \div g(x) = f(x) \div g(x), g(x) \neq 0$ مثال: $f(x) = x^2, g(x) = 2x \rightarrow \frac{f}{g}(x) = \frac{x^2}{2x} = \frac{x}{2} \quad x \neq 0$

شاخص‌های آماری: شاخص یک معیار آماری است که تغییرات نسبی در جامعه را نشان می‌دهد.



شاخص بهای کالاهای خدمات مصرفی: متوسط مبلغ پرداخت شده از سوی مصرف کنندگان برای مجموعه‌ای از تعداد زیادی کالا و خدمات در طول یک سال.

تورم: تغییر متوسط قیمت کالاها در طول زمان.

$$\text{تورم} = \frac{\text{قیمت در سال پایه} - \text{قیمت در سال مورد نظر}}{100}$$

خوانایی: میزان سهولت درک متن، از طریق انتخاب واژه‌های مناسب و رعایت دستور نگارش.

$\left[\frac{4}{100} \times (\text{میانگین تعداد کلمات در هر جمله} + \text{درصد کلمات «دشوار»}) \right] = \text{شاخص هایدی آموزش}$

– سری‌های زمانی –

درون‌یابی: تخمین داده‌های بین داده‌های ثبت شده — درون‌یابی که توسط پاره‌خط ثبت شود ← درون‌یابی خالی.

برون‌یابی: تخمین داده‌های بعد و قبل از داده‌های ثبت شده.

روش درون‌یابی: معادله خط گذرنده از نقطه اول و آخر را پیاده می‌کنیم. نقاط بین نقطه اول و آخر را در این معادله قرار می‌دهیم.

روش برون‌یابی: معادله خط گذرنده از نقطه بعد (قبل) از نقطه آخر (اول) و نقطه میانگین را پیاده می‌کنیم. نقاط بعد (قبل) از جمله آخر (اول) را در معادله قرار می‌دهیم.



شاعران شاخص قرن هفتم

- مولانا
- سعدی
- فخرالدین عراقی

نویسندگان شاخص قرن هفتم

- نجم‌الدین رازی (دایه)، نویسنده مرصادالعباد
- عطاملک جوینی، نویسنده تاریخ جهانگشا
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، نویسنده جامع‌التواریخ
- شمس قیس رازی، نویسنده المعجم فی معاییر اشعارالعجم

شاعران شاخص قرن هشتم

- خواجوی کرمانی
- ابن یمین
- حافظ
- سلمان ساوجی
- عبید زاکانی



نویسنده شاخص قرن هشتم، حمدالله مستوفی، نویسنده تاریخ گزیده

شاعران شاخص قرن نهم

- جامی: تحفة الاحرار (مثنوی) بهارستان (نثر)، نفحات الانس (نثر)
- شاه نعمت الله ولی

نویسنده شاخص قرن نهم: دولت شاه سمرقندی، نویسنده تذکره دولت شاه

پایه های آوایی:

- (۱) مفاعیلن: U — —
 - (۲) فاعلاتن: — U —
 - (۳) مستفعلن: — U —
 - (۴) فعولن: — — U
 - (۵) مفتعلن: — U U —
 - (۶) فعلاتن: — — U U
- از تکرار چهار بار هر یک از این پایه ها، یک وزن شعر فارسی به دست می آید.

- تشبیه
- مشبه: آن چه مورد تشبیه قرار گرفته
 - مشبه به: چیزی که مشبه را به آن تشبیه می کنیم.
 - ادات تشبیه: واژه بیانگر معنای شباهت (مانند، چو، به کردار و ...)
 - وجه شبه: شباهت میان مشبه و مشبه به
 - گسترده: شامل هر چهار رکن یا شامل مشبه و مشبه به، به همراه یکی از دو رکن دیگر
 - فشرده (بلیغ): فقط شامل مشبه و مشبه به
 - اسنادی: دل، آینه است.
 - اضافی (مضاف و مضاف الیه): باران عشق

زبان سبک خراسانی با مختصات جدید (مهم ترین ویژگی، در هم آمیختگی مختصات نو و کهن)

- کم شدن لغات فارسی اصیل و جایگزین شدن با لغات عربی
- «می» جای «همی» را گرفته
- «در» رفته رفته جای «اندر» را گرفته
- کاربرد اندک «ایدون»، «ایدر»، «ابا»، «ابر» و ...
- کم شدن حرف نشانه «مر» پیش از واژه دارای «را»

ویژگی های زبانی سبک شعر عراقی

- متعالی شدن مقام معشوق و گاه یکی شدن با معبود
- رواج تصوّف و اعتقاد به بی اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر در اثر شرایط اجتماعی بعد از حمله مغول
- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون
- ذهن گرایی و توجه به دنیای درون
- برتری عشق بر عقل
- غم گرایی و فراق
- بازتاب علوم در شعر

ویژگی های فکری شعر سبک عراقی

- ضعف و از میان رفتن نثر فنی
- جایگزین شدن نثر ساده و باز نویسی کتاب های نثر فنی به ساده
- تاریخ نویسی با اسلوب ساده: حاشیه نویسی به نثر ساده بر تاریخ های قدیم
- ورود لغات ترکی و مغولی به طور موقت
- سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات



ویژگی‌های ادبی نثر سبک عراقی

- رواج صنایع ادبی به جای تعمق و تفکر
- ظاهرسازی و تصنع در کتاب‌های مصنوع و متکلف
- استعاره‌های دور از ذهن
- سجع‌های متوالی و بی‌روح

ویژگی‌های فکری سبک عراقی

- کاسته‌شدن از صحت و اتقان مطالب در اثر قتل یا فرار فضلا و نابودی کتابخانه‌ها → ضعف و انحطاط فکری
- نبود استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی → تضعیف تحقیق و تتبع در میان علما و ادیبان
- از بین رفتن اصالت عرفان و درسی‌شدن آن و پرداختن به شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه‌دادن مفاهیم
- آن → عدم تألیف کتاب مهم به نثر

۷) مفاعلی = فعولن U —
 ۸) فاعلا = فاعلن (مفتعل) — U —
 ۹) فَعْل: U —

در انتهای برخی وزن‌ها می‌آیند

- مفاعیلن مفاعیلن فعولن
- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
- مفتعلن مفتعلن فاعلن
- فعولن فعولن فعولن فَعْل

مجاز: کاربرد واژه در معنای غیرحقیقی براساس علاقه یا پیوند و دارای قرینه‌ای در کلام مردم تلاش می‌کنند که نان حلال دریاورند.

مجاز از «درآمد و روزی»

- علاقه یا پیوند: نان، جزئی از روزی است.
- قرینه در کلام: تلاش مردم برای درآوردن آن

معنای غیرحقیقی

آشفته‌گی سیاسی و اجتماعی و وضع ادبیات به تبع آن

قرن دهم / حکومت جانشینان تیمور

- شعر لطیف و فصیح طبیعی به شیوه حافظ و سعدی (بابافغانی شیرازی)
- رونق دو جریان شعری
- مکتب وقوع برای تغییر سبک و رهایی از تقلید

شاعران مهم

- بابافغانی شیرازی
- وحشی بافقی
- محتشم کاشانی

کم‌توجهی صفویان به شاعران → گرایش شاعران به دربارهای شاعرانوز و ادب‌گرای هند (گورکانیان)

قرن یازدهم / حکومت صفوی

- ترویج تشیع
- از بین رفتن طبقه شاعران درباری و عمومی شدن شعر با افزایش رفاه طبقات مختلف
- معروف‌ترین شاعران
- کلیم کاشانی (اخلاق‌المعانی ثامن)
- صائب تبریزی
- بیدل دهلوی

تعریف: باقی‌ماندن یکی از دو رکن تشبیه و حذف دیگری

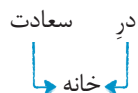
استعاره

- انواع
 - مصرّحه (آشکار) (نوعی مجاز): حذف مشبه و جانشین شدن مشبه به (نوعی مجاز): گل من
 - مکنیه (پنهان): حذف مشبه به با باقی‌ماندن مشبه به همراه یک عنصر یا ویژگی مرتبط با مشبه به:
 - استعاره از عزیز و محبوب
 - گل
 - مشبه به مه‌زوف

(مشبه) خنده شکفت (ویژگی مشبه به)



➤ اضافه استعاره: اضافه شدن دو رکن استعاره مکنیه به یکدیگر:



➤ تشخیص: استعاره مکنیه‌ای که مشبه به محذوف آن انسان است:

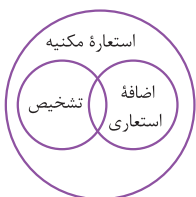


➤ رابطه استعاره آشکار و مجاز، عموم و خصوص مطلق



➤ رابطه استعاره مکنیه، با اضافه استعاره و تشخیص عموم و خصوص مطلق

➤ رابطه اضافه استعاره و تشخیص عموم و خصوص من وجه



➤ سبک هندی / اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم ➔ رونق شعر نزد عامه و از جمله پیشه‌وران و بازاریان

ویژگی‌های زبانی شعر

- روح تازه‌ای در زبان به سبب رو آوردن طبقات مختلف
- گسترش دایره واژگان و حذف بسیاری از لغات قدیم در اثر حملات بیگانگان و نابودی کتابخانه‌ها
- ورود لغات مربوط به مذاهب و رسوم هندوان
- زبان واقع‌گرا (زبان حقیقی مردم آن دوره)
- کاهش کاربرد لغات عربی
- بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جملات و ترکیبات و ورود واژه‌های عامیانه
- رواج لغات ترکی
- ضعف زبان فارسی

ویژگی‌های ادبی شعر

- کم‌توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی
- تسلط قالب غزل (در ظاهر) - در اصل تک‌بیت‌ها رواج دارند که در یک غزل کنار هم قرار می‌گیرند.
- ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ

ویژگی‌های فکری شعر

- معنی‌گرا (توجه به معنی و خلق مضامین ولی در حد سطحی)
- خلاصه‌شدن شعر در تک بیت
- خلاصه و قابل درک شدن مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان

انواع نثر سبک هندی

- گتب داراشکوه در هند
- خارج ایران
 - شرفنامه بدلیسی در عثمانی
 - بدایع الوقایع واصفی در ماوراءالنهر
- ساده
 - تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب
 - تاریخ
 - عالم‌آرای عباسی از اسکندربیک ترکمان
- در ایران
 - عرفان، رشحات عین‌الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی
 - زندگی‌نامه، مجالس‌المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری
 - فقه، جامع عباسی از شیخ بهایی
- مصنوع: در فرمان‌ها و منشآت دیباچه کتاب‌ها (عباس‌نامه وحید قزوینی و محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراحی)
- بینابین: به قصد ساده‌نویسی (حبیب‌السیر از خواندمیر و احسن‌التواریخ از حسن بیگ روملو)



- ویژگی‌های زبانی نثر سبک هندی
 - در آمیختگی نظم و نثر
 - کاربرد وجه وصفی
 - جمع بستن با «ات» برای واژه‌های غیرعربی
 - مطابقت موصوف و صفت به تقلید از عربی
 - تتابع اضافات در تمجید به سبب قرینه‌پردازی و موازنه
 - جملات طولانی
 - افعال با پیشوند متعدد
 - فراوانی لغات ترکی و مغولی
- ویژگی‌های ادبی نثر سبک هندی
 - همراه با تصنع و تکلف
 - انحطاط ادبی
 - استفاده از آیات و احادیث و عبارات عربی و تلمیح
 - کاربرد شعرهای ضعیف
- ویژگی‌های فکری نثر سبک هندی
 - خالی بودن ایران از نویسنده قوی دست
 - تاریخ‌نویسی در جهت نهادینه کردن فرهنگ تشیع

اوزان همسان دولختی:

- (۱) مفعول فاعلاتن / مفعول فاعلاتن (مستفعل فاعولن / مستفعل فاعولن)
- (۲) مفتعلن فاعلن / مفتعلن فاعلن
- (۳) مفعول مفاعیلن / مفعول مفاعیلن (مستفعل مفعولن / مستفعل مفعولن)
- (۴) مفتعلن مفاعیلن / مفتعلن مفاعیلن

کنایه: عبارتی که منظور از آن معنای دور است.

چند مثال: پدر بزرگم دست به جیب است: خرج می‌کند.

دستش به دهنش می‌رسد: وسع مالی دارد.

داور دست به جیب شده: قصد کارت‌دادن دارد.

پا در کفش دیگران نکن: در کار دیگران دخالت نکن.

سرم درد می‌کند برای رقابت: دغدغه و حوصله آن را دارم.

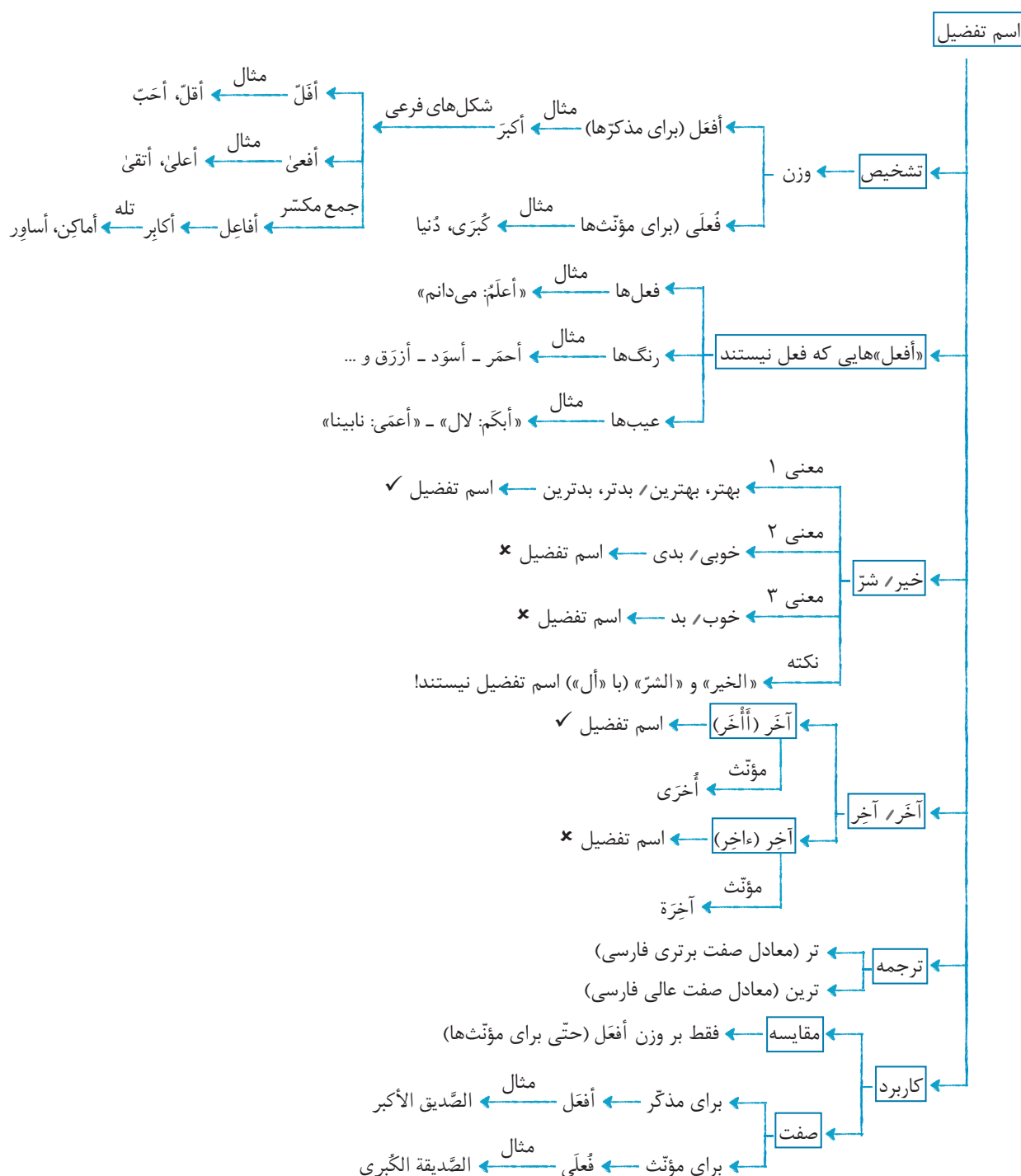


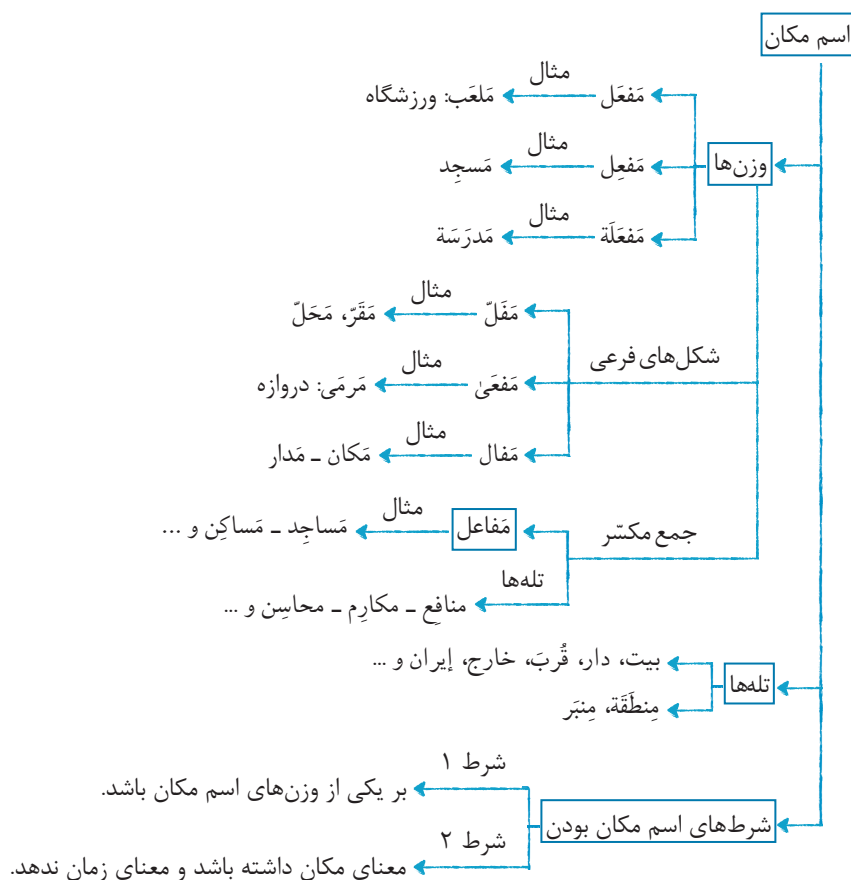






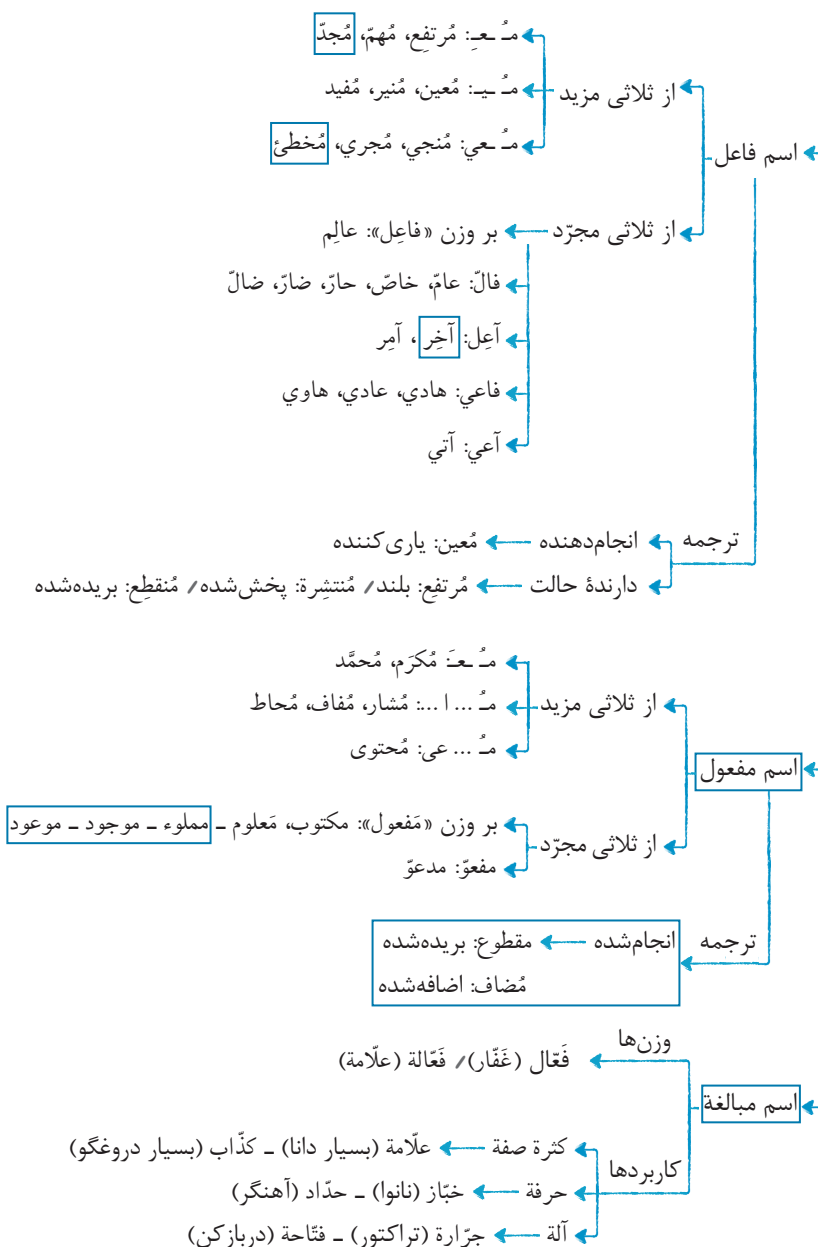
درس ۱ یازدهم







درس ۲ یازدهم





کلمات و وزن های مهم -





فَعْلَةٌ ← جمع مکسر «فاعل» ← اسم فاعل

مثال: (طَلَبَتْ: ج «طالب» / ورثَتْ: ج «وارث»)

أَفْعَلَةٌ ← دقت کنید اسم تفضیل نیست / جمع مکسر نه مفرد / مذکره نه مؤنث

مثال: (أَدْوِيَةٌ: ج «دواء» / أَطْعَمَةٌ: ج «طعام» / أُنْثَمَةٌ: ج «إمام» / أَحَبَّةٌ: ج «حبيب»)

عَالِمٌ ← اسم فاعل / دانشمند

عَالَمٌ ← اسم فاعل نیست. / جهان

مُفَاعِلَةٌ ← اسم فاعل (مؤنث): مُهَاجِرَةٌ: زن مهاجر

مُفَاعِلَةٌ ← مصدر: مُهَاجِرَةٌ: مهاجرت کردن

فَاعِلٌ ← اسم فاعل ← چون اسم آفرش ممکنه هر مرکبی داشته باشه هز (هـ) (مثال: کاتب: نویسنده)

فَاعِلٌ ← فعل أمر ← کَاتِبٌ: مکاتبه کن



درس ۳ یازدهم

ساختار کلی
 ادات شرط + فعل ... + فعل
 ادات شرط + فعل ... + ف ...

(۱) **إِنْ** ترجمه
 اگر، چنانچه ☒ هرگاه، هر وقت ☒
 تله با «إِنْ: قطعاً» و «أَنْ: که» اشتباه نشود.

(۲) **مَنْ** ترجمه
 هر کس ☒ کسی که ☒ اگر کسی ☒
 تله با حرف جرّ «مِنْ: از» اشتباه نشود.

(۳) **مَا** ترجمه
 هر چه ☒ آن چه ☒ اگر چیزی ☒

(۴) **إِذَا** ترجمه
 هرگاه، وقتی ☒ اگر، چنانچه ☒

اداة الشرط

جایگاه
 بلافاصله بعد از ادات شرط

نوع فعل
 ماضی ← مجزوم نمی شود. (ظاهرش هیچ تغییری نمی کند)
 مضارع ← مجزوم می شود. (سکون، حذف نون جز در جمع مؤنث)

جمله شرطی

ارکان

نکته
 جواب الشرط
 اگر ماضی یا مضارع ساده نباشد با «فَ» می آید.
 جمله اسمیه مثال: مَنْ يُحَاوِلْ فَلَهُ نَاجِحٌ.

ماضی ← مجزوم نمی شود. (ظاهرش هیچ تغییری نمی کند).

مثال: مَنْ حَاوَلَ نَجَحَ.

مضارع ← مجزوم می شود. (سکون، حذف نون جز در جمع مؤنث)

مثال: مَنْ يُحَاوِلْ يَنْجَحْ.

مستقبل ← با «فَ» می آید.

مثال: مَنْ يَحَاوِلْ فَسَوْفَ يَنْجَحْ.

امر و نهی ← با «فَ» می آید.

مثال: إِذَا ثَرِيدَ التَّجَاحِ فَلَا تَتَكَاسَلْ.

انواع جواب شرط

نوع فعل
 فعل (جمله فعلیه)

(۱) فعل شرط را غالباً به صورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم.

(۲) جواب شرط را غالباً به صورت مضارع اخباری ترجمه می کنیم.

(۳) اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشند، مجازیم آن ها را به شکل مضارع ترجمه کنیم.

مثال: مَنْ حَاوَلَ نَجَحَ ← هر کس تلاش کرد موفق شد. ☒

نکات ترجمه



✓ هر کس تلاش کند موفق می‌شود. ✓

(۱) قبل از جواب شرط هرگز حرف ربطی به کار نمی‌رود.

مثال: مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ [و] يُحَاوِلْ يَنْجُ

فعل شرط جواب شرط جواب شرط

وابسته نمی‌شود ✓

نکات تکمیلی

(۲) «إذا» مجزوم‌کننده نیست.

(۱) شرطیة ترجمه هر کس نشانه دو فعل مضارع بعد از خودش را مجزوم می‌کند.

(۲) استفهام ترجمه چه کسی؟ تذکر مجزوم نمی‌کند.

(۳) موصول ترجمه کسی که تذکر مجزوم نمی‌کند.

انواع «مَنْ»

(۱) شرطیة ترجمه هر چه نشانه دو فعل مضارع بعد از خودش را مجزوم می‌کند.

(۲) استفهام ترجمه چه چیزی؟ تذکر مجزوم نمی‌کند.

(۳) موصول ترجمه چیزی که تذکر مجزوم نمی‌کند.

(۴) نفی فعل ماضی یا مضارع را منفی می‌کند مثال: مَا ذَهَبَ: نرفت

(۵) تعجب ساختار «مَا أَفْعَلْ» مثال: مَا أَجْمَلُ: چه زیباست

انواع «مَا»



درس ۴ یازدهم





نکات ترجمه -

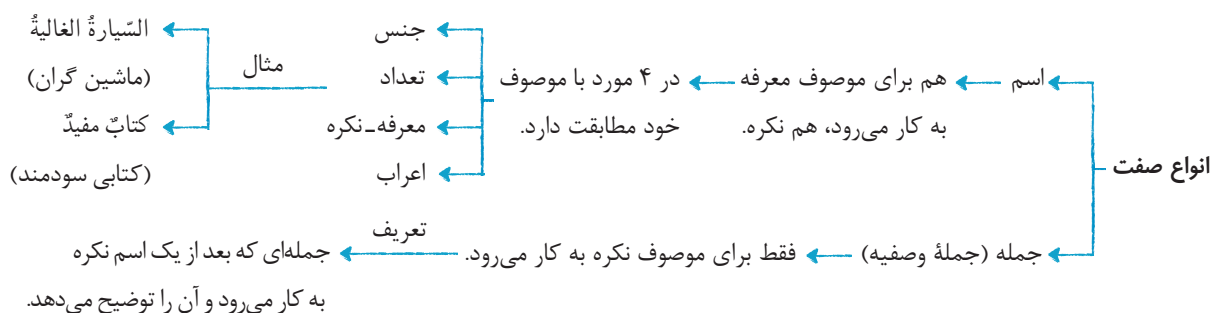
- ← معرفه‌ها ← بدون نشانه خاصی ترجمه می‌شوند. مثال: الأشجار: درختان
- ← با «ی» یا «یک» ترجمه می‌شوند. ← مثال: شجرة جميلة: درخت زیبایی ☒
 درختی زیبا ☒
 یک درخت زیبا ☒
- ← نکره‌ها ← تله ← هر اسمی که در فارسی «ی» داشته باشد، لزوماً نکره نیست!
 مثال: سلامتی - میز چوبی - ایرانی
- ← خبر بدون وابسته به صورت معرفه ترجمه می‌شود.
 مثال: هذه الشجرة جميلة: این درخت، زیبا است.
 فیه بدون وابسته
- نکته ← معرفه‌ای که بعدش موصول‌های خاص (الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ ...) بیاید می‌تواند شبیه به اسم‌های نکره ترجمه شود.
 مثال: هذا الطالب الَّذِي ... این دانش‌آموزی که ... ☒
 این دانش‌آموز که ... ☒

حروف ناصبه -

- نکته ← فقط زمانی حرف ناصبه به شمار می‌روند که بر سر فعل مضارع بیایند.
- نکته ← أَنْ: که ← أَنْ + لَا ← أَلَا
 تذکر ← با «إِنْ: اگر» اشتباه نشود.
- نکته ← لَنْ: در ترجمه مستقبل منفی ایجاد می‌کند. (لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت)
 گئی: تا، تا این که
- نکته ← لِكَي: تا، تا این که ← لَكِي + لَا ← لَكِيْلَا
 حَتَّى: تا، تا این که
- نکته ← لِ: تا، تا این که، برای این که ← برای بیان علت به کار می‌رود. (لِلتَّعْلِيل)
 ترجمه ← تمام حروف ناصبه (به جز لَنْ) + مضارع ← مضارع التزامی
 مثال: لِيَذْهَبَ: تا برود
- (۱) ← در مضارع‌هایی که به «ن» ختم می‌شوند ← نون حذف می‌شود (به جز جمع‌های مؤنث)
 (۲) ← در مضارع‌هایی که به «ن» ختم نمی‌شوند ← آخر فعل فتحه می‌گیرد.
- تأثیر ظاهری ← مثال: (۱) أَنْ + يَذْهَبُ ← أَنْ يَذْهَبِ
 مثال: (۲) لَنْ + يَذْهَبُونَ ← لَنْ يَذْهَبُوا
 مثال: (۳) لَكِي + تَذْهَبْنَ ← لَكِي تَذْهَبِنَ
- نکته ← حرف ناصبه + لَا ← لَا يَنْفِي
 مثال: لَكِي لَا تَحْزَنُوا ← لَا يَنْفِي ☒ لَا يَنْفِي ☒



درس ۵ یازدهم



تعریف: جمله تصف نكرة/ جمله توضح ما قبلها.
 ساختار: اسم نکره + که (فقط در ترجمه) + جمله

جمله وصفیه

تذکر

- جمله وصفیه یک نوع صفت است و هر جا دنبال صفت می‌گردیم باید آن را هم مدنظر داشته باشیم!
- ممکن است با فاصله از اسم نکره به کار برود.
 - مثال: لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ الْقَفْزِ.
 - اسم نکره
 - جمله وصفیه

جملاتی که بعد از حروف ربط به کار می‌روند.

حروف ربط ← و - ف - ثم - أو - لكن - بل - حتى - أن - لكي - ...

مثال: عَصَفَتْ رِيَّاحٌ فَخَرَّ بَيْتُ بَيْوَتَا.

جمله وصفیه نیست.

جملاتی که پس از کلماتی آمده‌اند که در ترجمه آن‌ها «که» وجود دارد.

مثلاً: «الَّذِي: کسی که» / «مَنْ: کسی که» / «عِنْدَمَا: وقتی که» / «كَمَا: همان‌طور که»

مثال: رَأَيْتُ الطِّفْلَ الَّذِي يَلْعَبُ.

جمله وصفیه نیست.

جواب شرط

مثال: مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَنْجَحْ.

جواب شرط

هر جمله‌ای که بعد از یک اسم نکره آمده باشد، اما در ترجمه آن نتوانیم حرف «که» را بیاوریم.

مثال: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ.

جمله وصفیه نیست.

(ترجمه: هر چیزی با انفاق کم می‌شود جز علم.)

جمله‌ای که بعد از یک اسم علم تنوین دار به کار می‌رود. (دقت کنید که اسم علم حتی اگر تنوین بگیرد، معرفه است.)

مثال: رَأَيْتُ سَعِيدًا يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ.

جمله وصفیه نیست.



ترجمه جمله وصفیه را باید به عنوان اولین فعل بعد از حرف «که» بیاوریم.

مثال: عصفت ریحٌ شديدةٌ حَرَّبَتِ البيوت:

جمله وصفیه

بادهای شدیدی که وزید خانه‌ها را تخریب کرد. ☒

بادهای شدیدی وزید که خانه‌ها را تخریب کرد. ☒

ماضی + مضارع ← ماضی استمراری

مثال: رأيتُ طفلاً يلعبُ ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی استمراری

ماضی مضارع

ماضی + ماضی ← ماضی بعید (یا ماضی ساده)

مثال: رأيتُ تلميذاً كَتَبَ واجباته ← دانش‌آموزی را دیدم که تکالیفش را نوشته بود.

ماضی بعید

ماضی ماضی

مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (یا مضارع اخباری)

مثال: أَقَسَّ عن برنامجٍ يُساعدني في دروسي ← دنبال برنامه‌ای می‌گردم که مرا در درس‌هایم یاری کند.

مضارع التزامی

مضارع مضارع

جملاتی که در آن‌ها «اسم‌ال‌دار + الّذي/ الّتي/ الّذين...» به کار می‌رود، از لحاظ معنایی دقیقاً مشابه ساختار جمله وصفیه هستند.

مثال: شاهدتُ الطُّفلَ الَّذِي يبكي = شاهدتُ طفلاً يبكي (کودکی را دیدم که گریه می‌کرد).

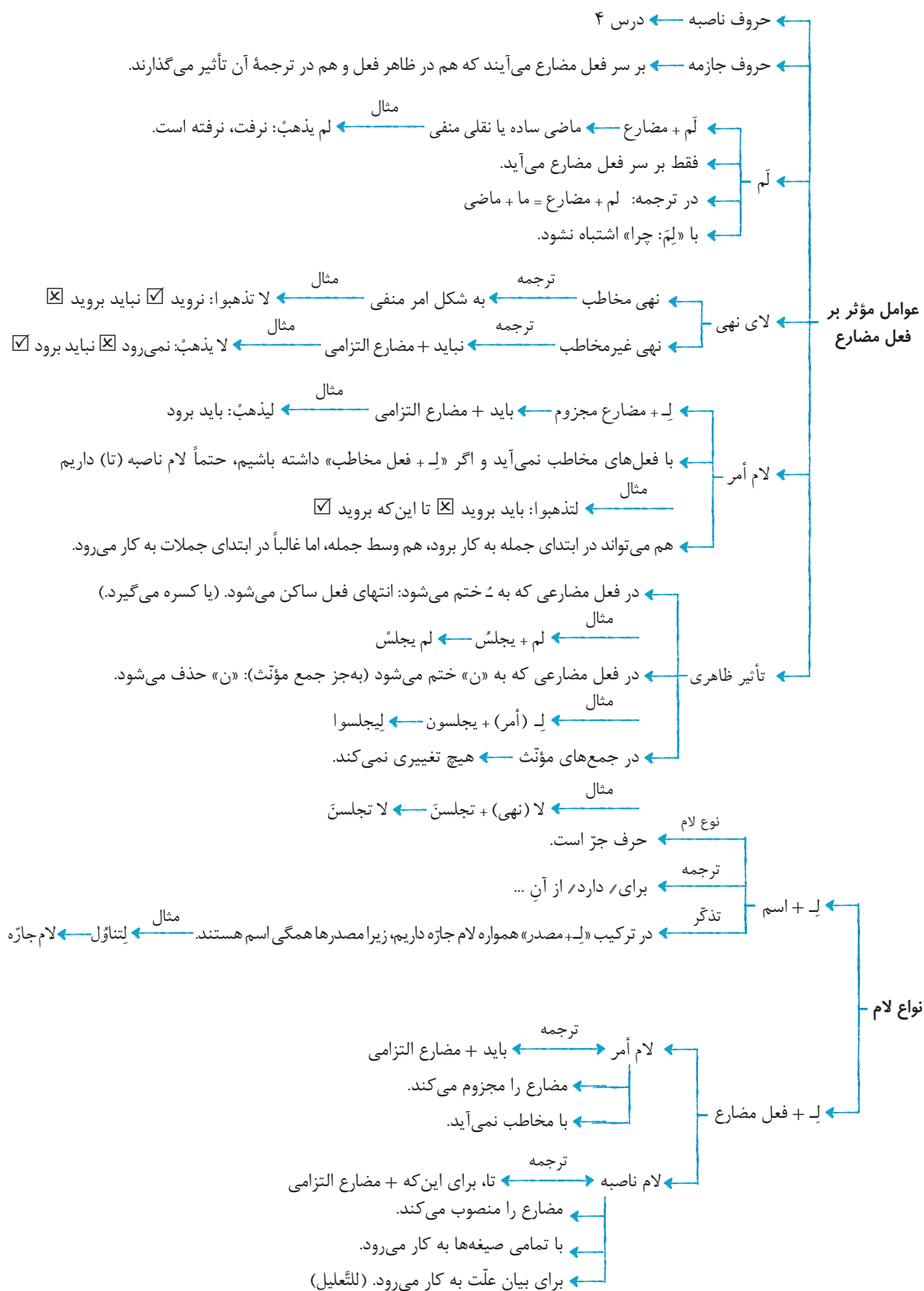
دقت کنید که صفت از نوع اسم را مشابه جمله وصفیه با «که» ترجمه نکنید.

مثال: هذه نِعَمٌ مُنْهَمَرَةٌ ← این‌ها نعمت‌هایی هستند که ریزانند. ☒

این‌ها نعمت‌هایی ریزان هستند. ☒



درس ۶ یازدهم

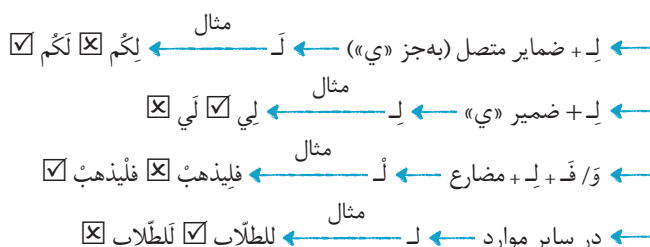




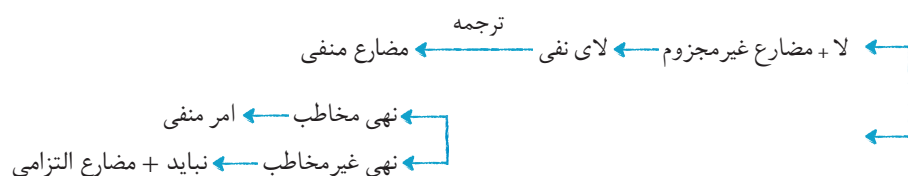
تشخیص انواع لام



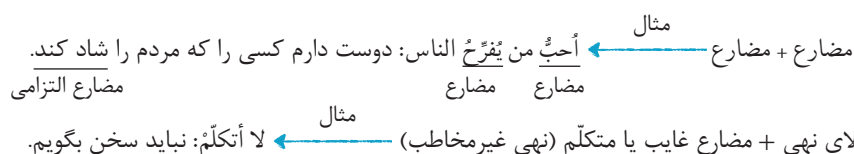
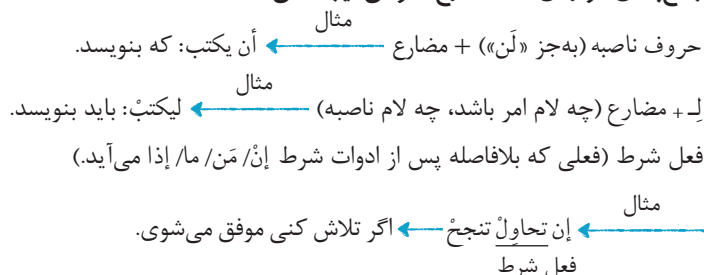
حرکت گذاری حرف لام



انواع «لا» + مضارع

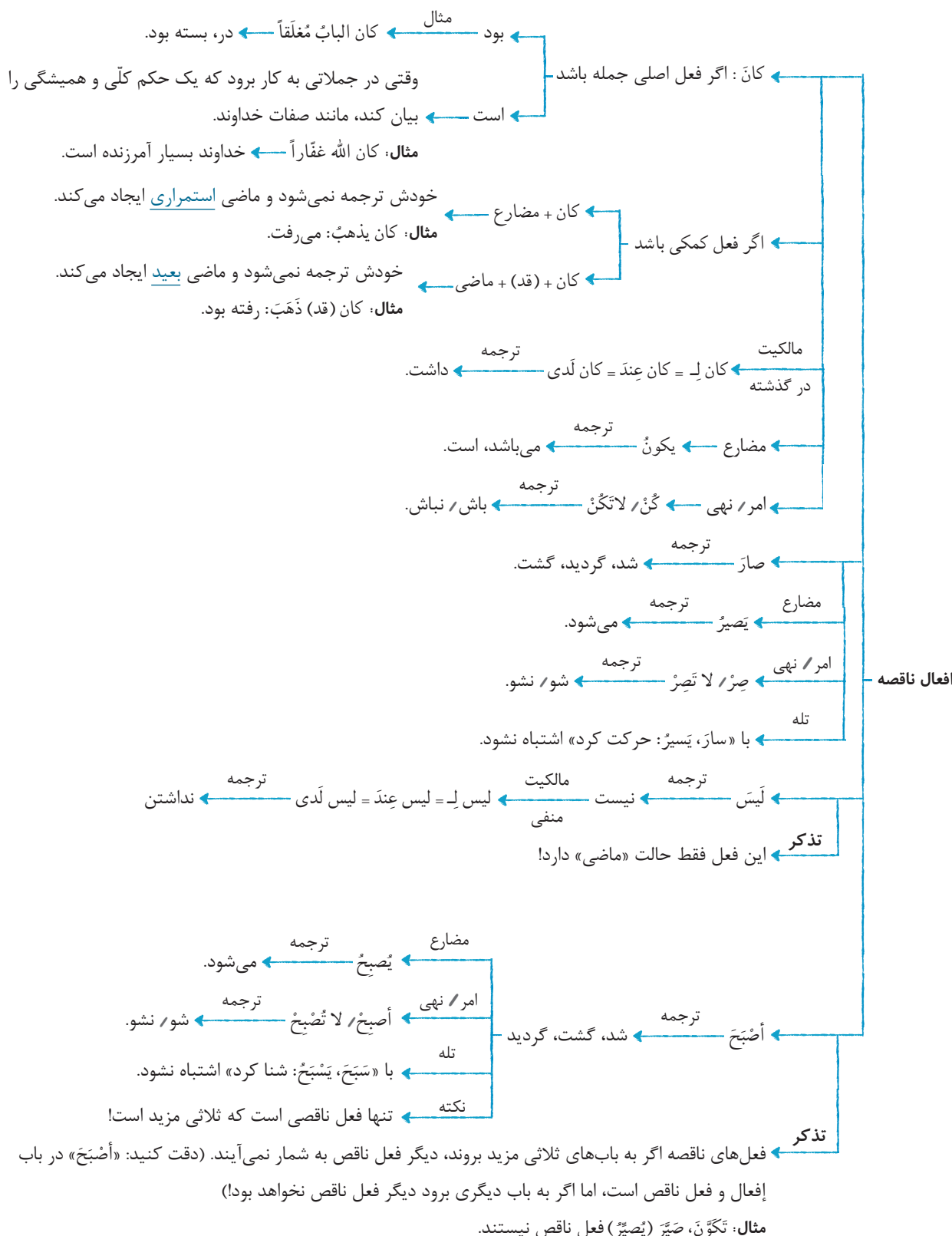


جمع بندی مواردی که مضارع التزامی ایجاد می کنند.





درس ۷ یازدهم





قواعد

افعال ناقصه بر سر جمله اسمیه می آیند و اسمشان مرفوع و خبرشان منصوب است.

مثال

كان الطالبُ فَرِحَ.

اسم «مكان» خبر «كان»

و مرفوع و منصوب

افعال ناقصه فاعل و مفعول ندارند؛ در نتیجه بحث معلوم و مجهول و لازم و متعدی برایشان تعریف نشده است.

مثال

ضمير (اسم) ← إجلَبَن كُتُبُكَ ← کتاب‌هایتان را بگیرد.

انواع «كُنَّ»

مثال

فعل ماضی (هَنَّ) ← الطالباتُ كُنَّ فرحات: دانش‌آموزان خوشحال بودند.

مثال

فعل أمر (أَتَتْنِ) ← يا أخواتي، كُنَّ صدقات: ای خواهرانم، راستگو باشید.

مثال

فعل شرط یا جواب شرط ماضی ← من حاولَ نَجَحَ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

فعل شرط ماضی
جواب شرط ماضی

مضارع

مضارع

مضارع

مضارع

جمع‌بندی فعل‌های

ماضی که به معنای

مضارع هستند.

مثال

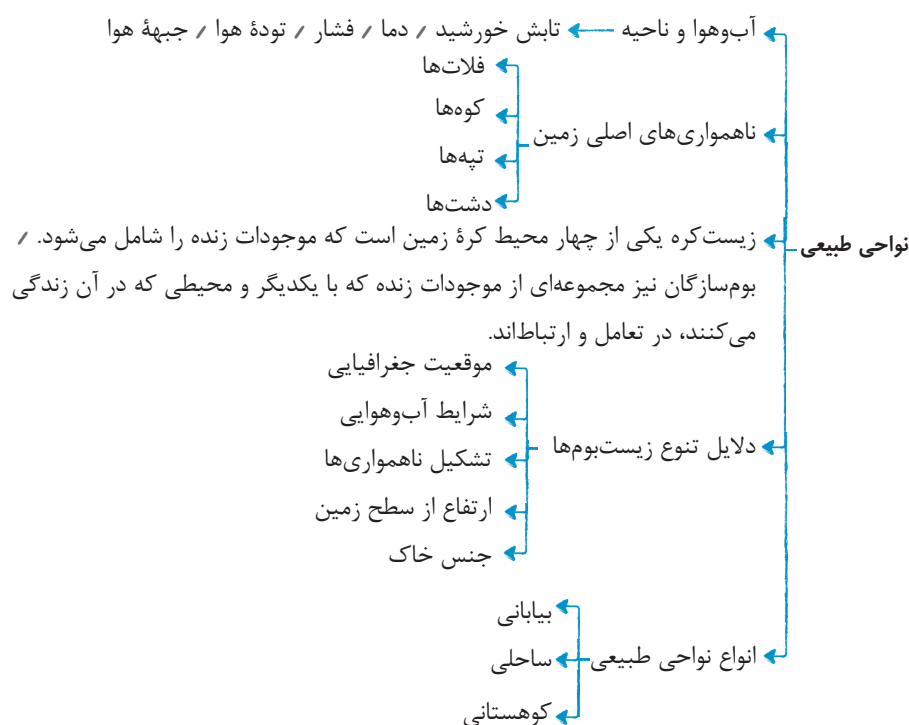
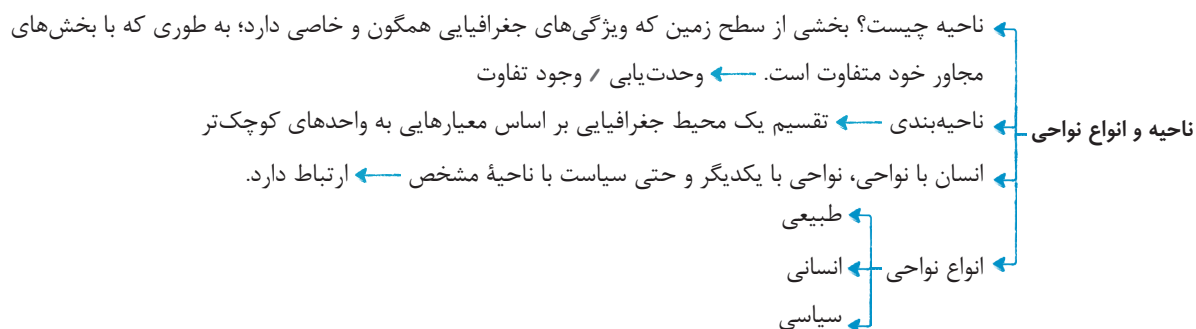
«كان» در معنای «است» ← كان الله تَوَّاباً: خداوند بسیار توبه‌پذیر است.

ماضی

مضارع

«لَيسَ» ← این فعل ماضی است و همواره به شکل مضارع (نیست) ترجمه می‌شود.







ناحیه فرهنگی: بخشی از سطح زمین است که در آن فرهنگ ویژه‌ای غالب است و به سبب همان فرهنگ ویژه از سایر نواحی جدا می‌شود؛ مثل زبان، دین، عقاید، سبک زندگی و ...

کشاورزی

نواحی اقتصادی

صنعت

نواحی انسانی

تجارت و اقتصاد جهانی → برای بررسی وضعیت نابرابری نواحی در اقتصاد جهانی امروز، باید به پیشینه تعامل و روابط اقتصادی در جهان توجه کنیم.

وجود سه مفهوم مرکز، پیرامون و نیمه‌پیرامون (نوع روابط تجاری)

قلمرو فضای جغرافیایی

سازه (ساختار) انسانی

نظام مدیریت

سه رکن ناحیه سیاسی

فروملی

ملی

فراملی (منطقه‌ای)

ویژه

انواع نواحی سیاسی

جغرافیای سیاسی → علم مطالعه کنش‌های متقابل جغرافیا و سیاست

نواحی سیاسی

سرزمین

جمعیت

نظام سیاسی

حاکمیت

ارکان بنیادین یک کشور

ژئو (جغرافی) + پلیتیک (سیاست) → ژئوپلیتیک

رابطه قدرت و جغرافیا و بروز نظریه‌های راتزل - مкінدر - ماهان



فلسفه یازدهم

درس ۱: چیستی فلسفه

ویژگی‌های فلسفه

- نوع: اصل وجود (بنیادی‌ترین موضوعات)
- روش: عقلی و قیاسی

تعریف لغوی: فیلسوفیا = دوستداری دانایی

سیر تحول معنا (به ترتیب)

- دوستداری دانایی
- مطلق دانش بشری
- دانش خاص

واژه فلسفه

سوفیست‌ها

- تعریف لغوی: دانشمند
- علاقه به حقیقت و معتقد به بی‌اعتباری آن
- تعلیم سخنوری و وکالت
- استفاده از مغالطه

تغییر جای معنا (فیلسوف = دانشمند / سوفیست = مغالطه‌کار)

دانش فلسفه: دانش عهده‌دار بررسی سؤالات بنیادین

تفکر غیرفلسفی (پرداختن به پرسش‌های روزمره)

دو مرتبه از تفکر

تفکر فلسفی (پرداختن به پرسش‌های بنیادین)

- مراحل تفکر فلسفی (به ترتیب)
 - مواجهه با مجهولات فلسفی
 - طرح پرسش‌های فلسفی
 - رجوع به معلومات و انتخاب موارد مناسب
 - رسیدن به دریافت و شناخت فلسفی

تقسیم‌بندی ملاصدرا از مراتب تفکر

- فطرت اول (تفکر غیرفلسفی): توقف برای انسان ممنوع
- فطرت ثانی (تفکر فلسفی): رسیدن برای انسان واجب

پرسشگری: ویژگی انسان

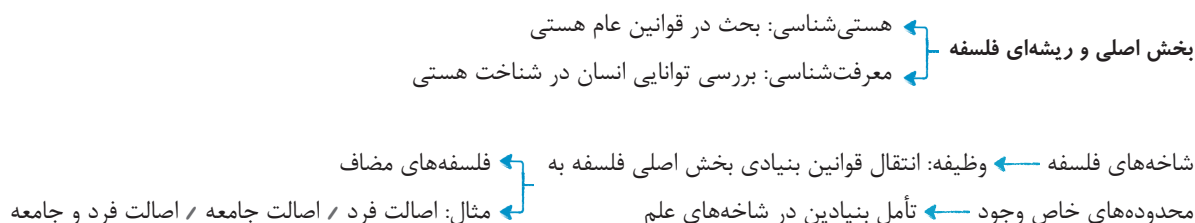
انسان و تفکر

تفکر، واسطه رسیدن از مجهولات به معلومات

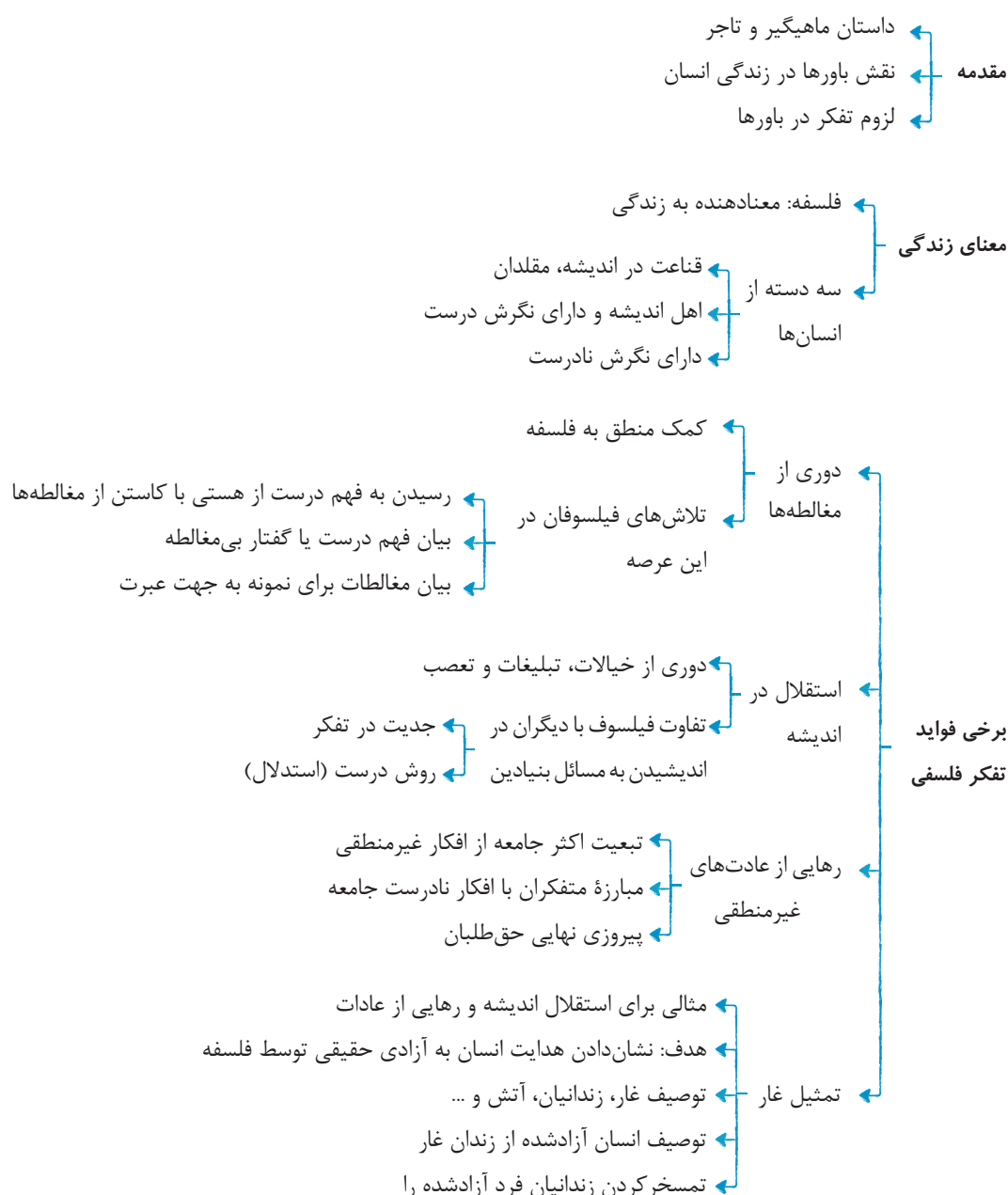
- مراحل تفکر در انسان (به ترتیب)
 - روبه‌رو شدن با مسئله
 - طرح سؤال
 - تفکر در اندوخته‌ها
 - رسیدن به پاسخ



– درس ۲: ریشه و شاخه‌های فلسفه –



– درس ۳: فلسفه زندگی –



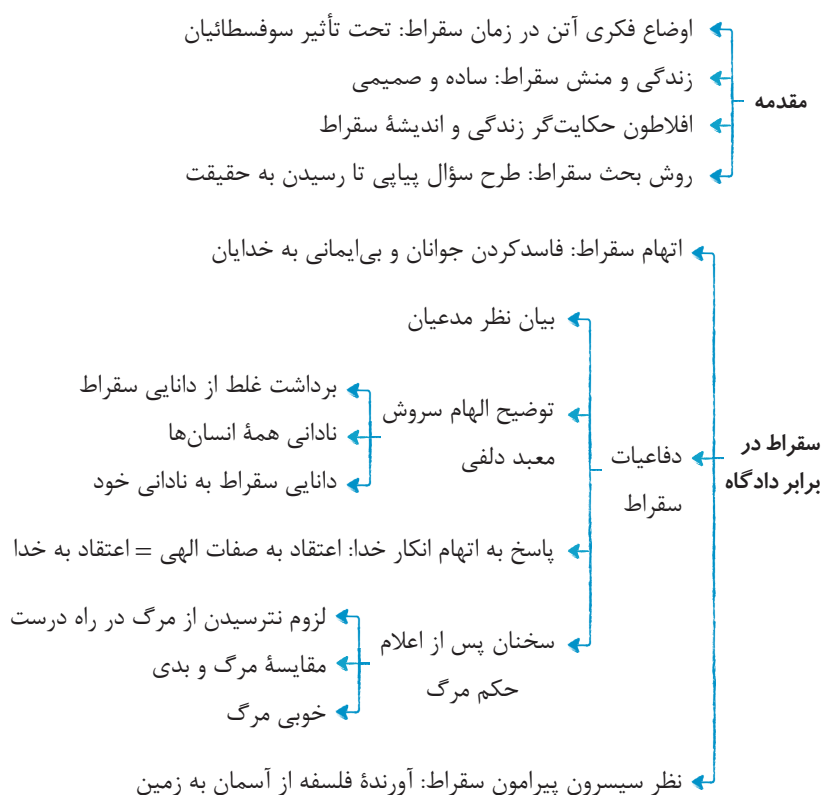


درس ۴: آغاز تاریخی فلسفه -





– درس ۵: زندگی براساس اندیشه –





- درس ۶: امکانات شناخت -





– درس ۷: ابزارهای شناخت –





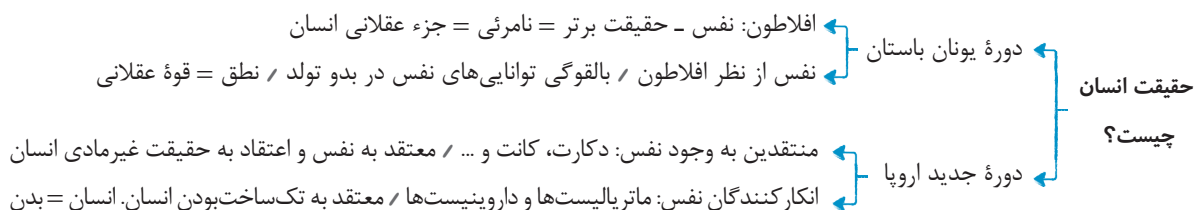
- درس ۸: نگاهی به تاریخچه معرفت -





– درس ۹: چیستی انسان (یک) –

تفکر فلسفی در مورد انسان = انسان‌شناسی فلسفی = خودشناسی



– درس ۱۰: چیستی انسان (دو) –

دیدگاه فیلسوفان مسلمان
برگرفته از متون دینی و دیدگاه یونانیان
معتقد به صفات عالی روح در قرآن
درباره حقیقت انسان

ابن سینا
پذیرش نظر ارسطو و تعمیق آن
عطای روح انسان به جنین = دوگانگی روح و جسم

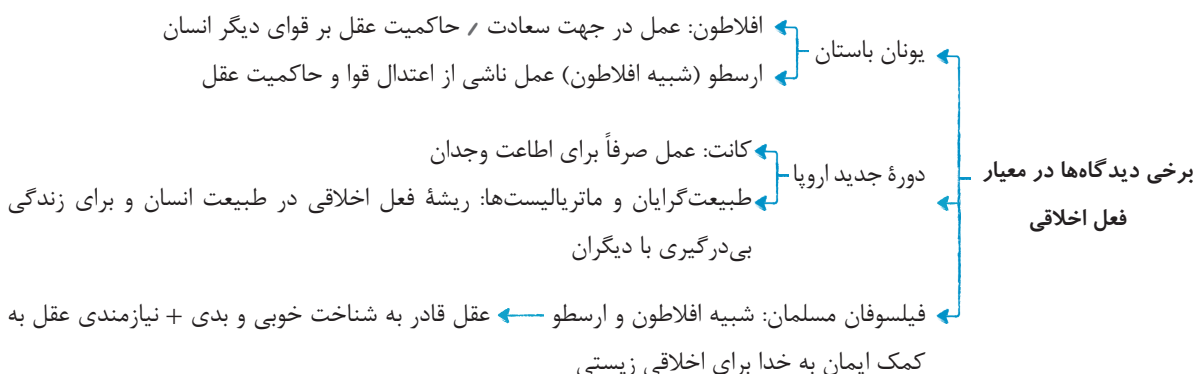
سهروردی
استفاده از نور به جای وجود / خدا: نورالانوار
انسان
نفس: جنبه نورانی وجود انسان
بدن: جنبه ظلمانی وجود انسان

ملاصدرا
وحدت حقیقی روح و بدن
روح = باطن بدن
ظرفیت بی‌نهایت روح انسان

– درس ۱۱: انسان، موجود اخلاق‌گرا –

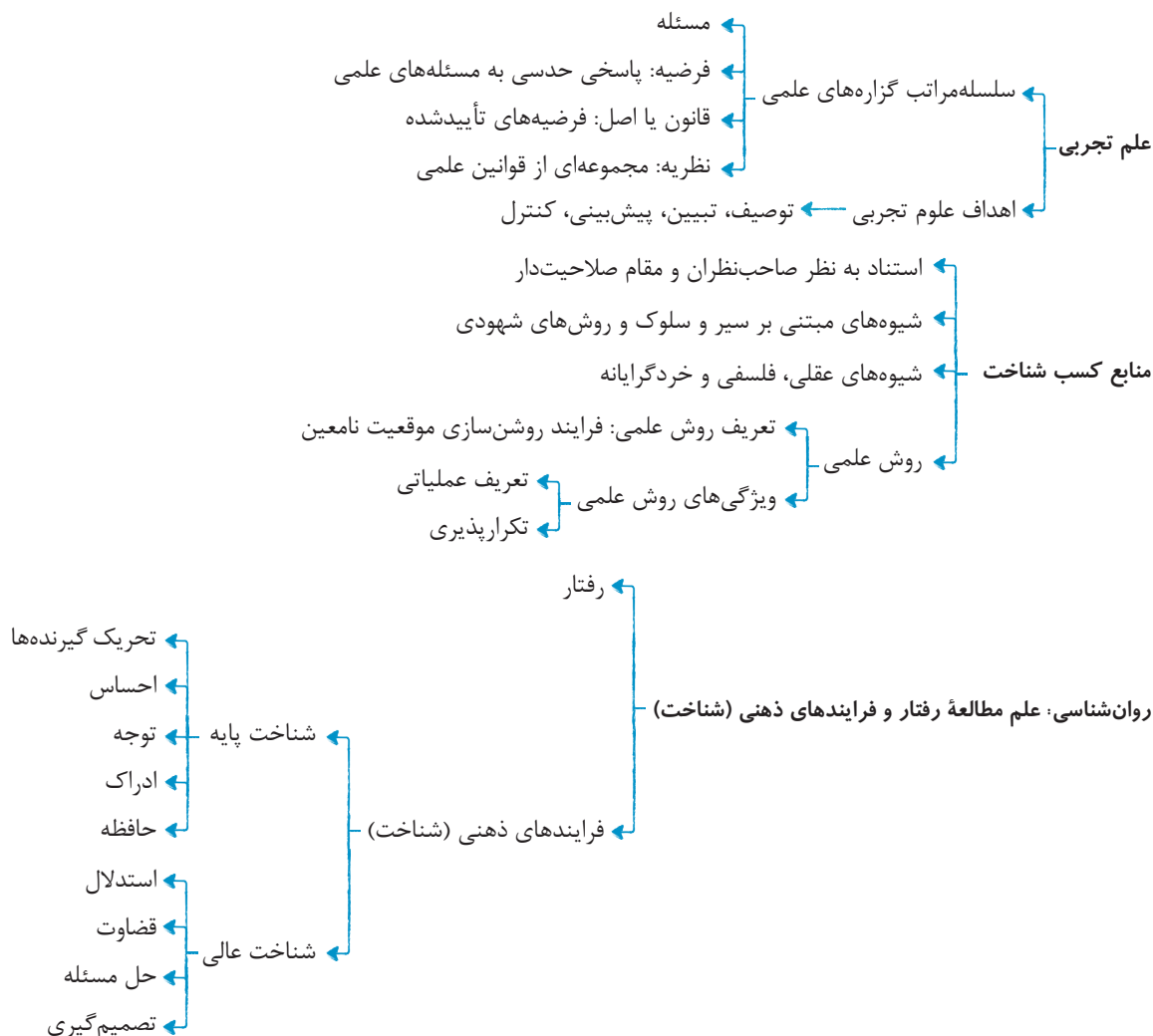
نظر برخی متفکران: اخلاق، وجه تمایز انسان و حیوان

فعل طبیعی و فعل اخلاقی
فعل طبیعی: عمل در جهت رفع نیاز خود
فعل اخلاقی: عمل دارای قابلیت تحسین و تقبیح



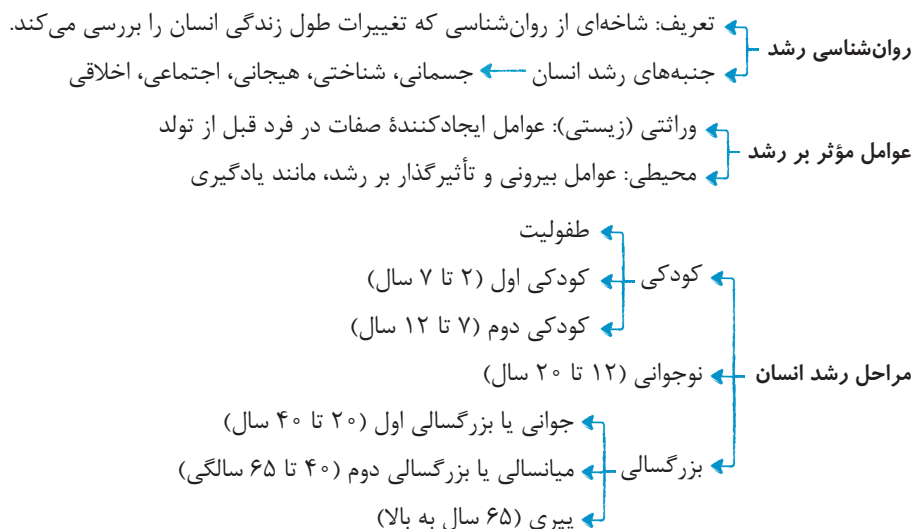


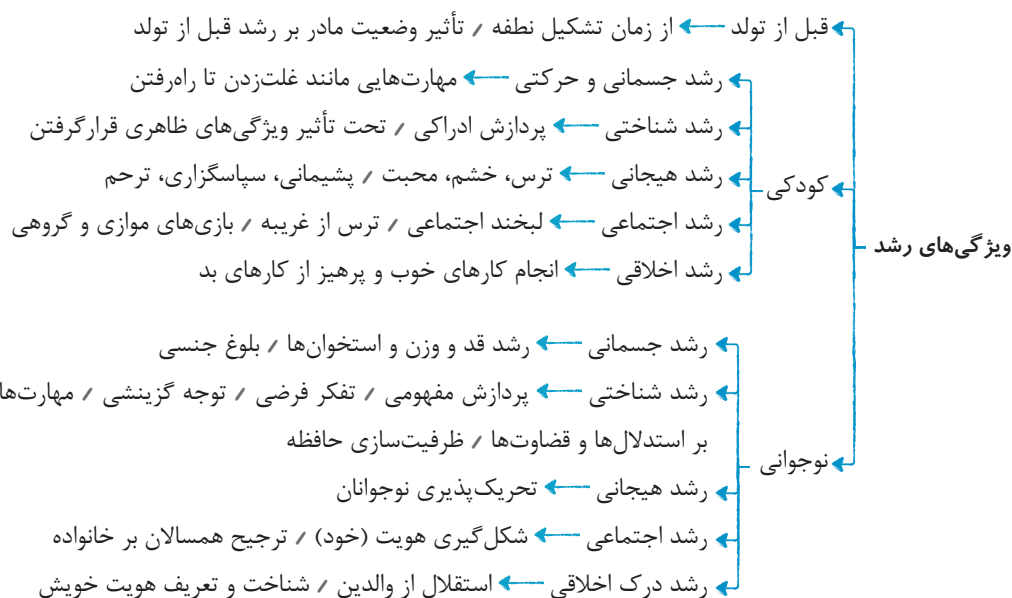
♦♦ درس ۱: روان شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه ♦♦



● روش های جمع آوری اطلاعات در روان شناسی ← مشاهده، پرسش نامه، مصاحبه، آزمون

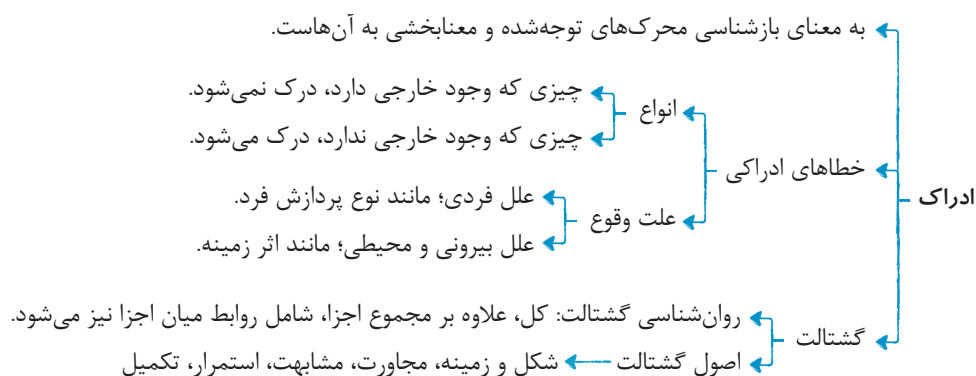
♦♦ درس ۲: روان شناسی رشد ♦♦



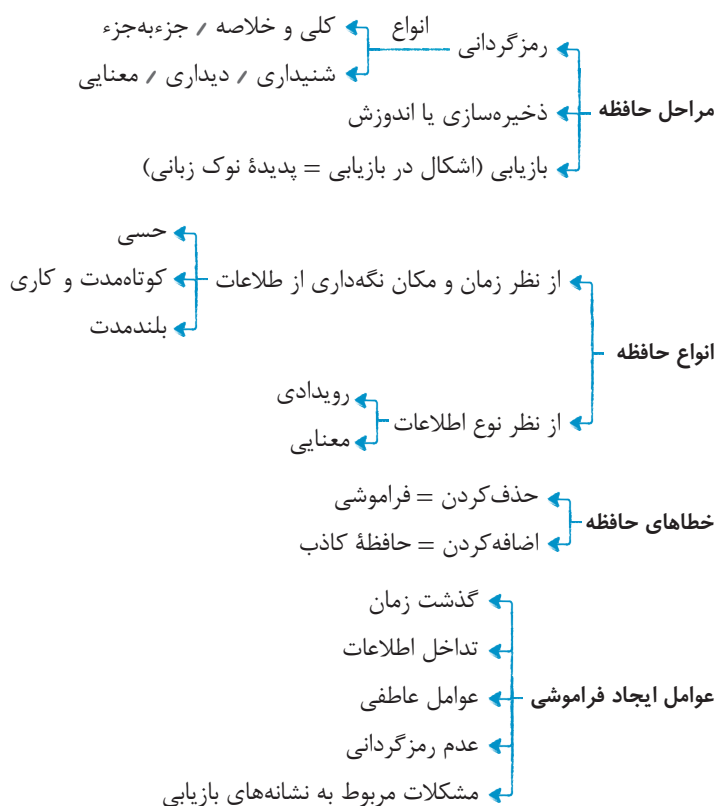


♦♦ درس ۳: احساس، توجه، ادراک ♦♦





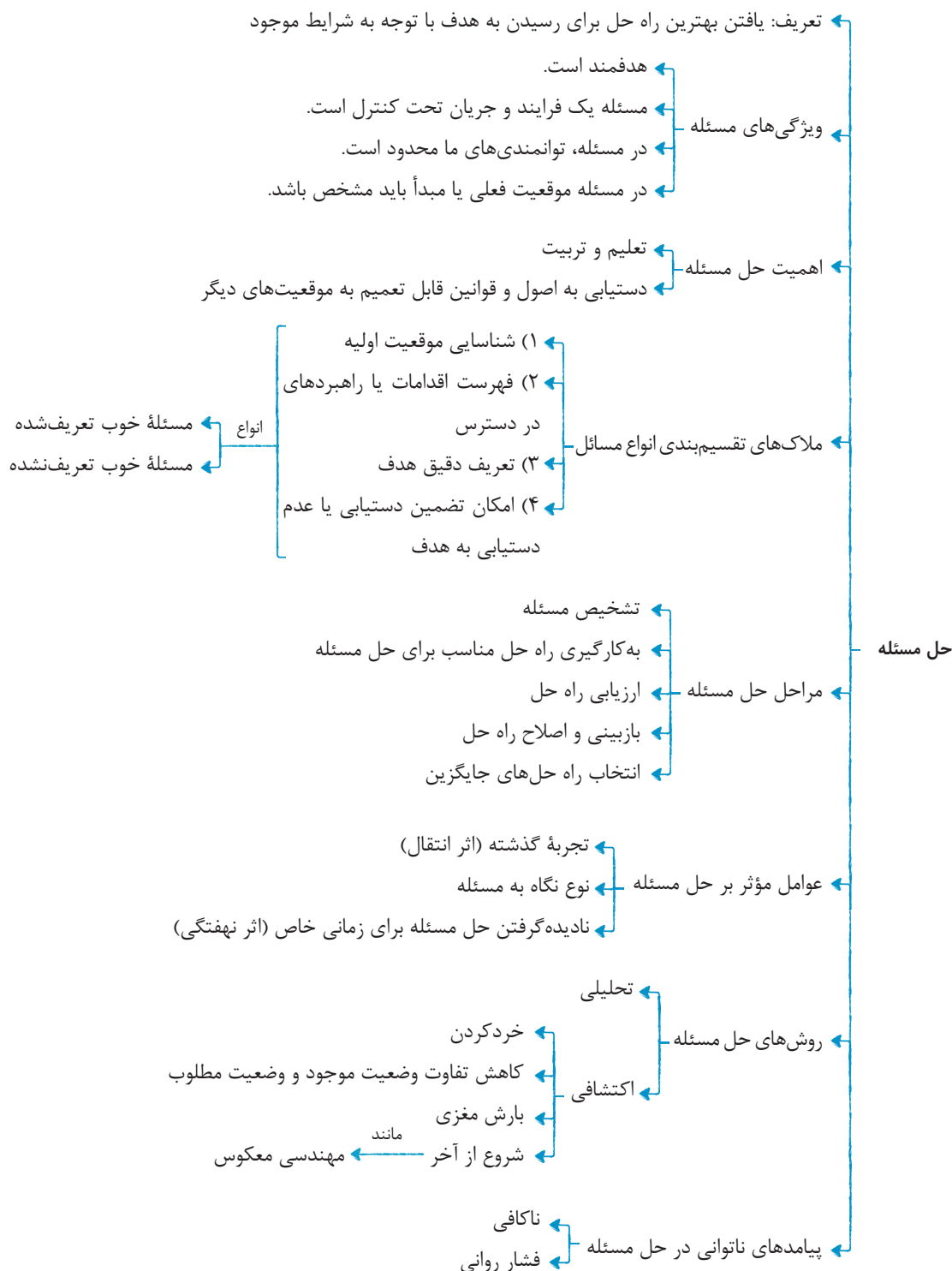
♦♦ درس ۴: حافظه و علل فراموشی ♦♦



● روش‌های مؤثر بر تقویت حافظه ← بیان اهمیت مطلب / پرهیز از هم‌زمانی چند فعالیت (توجه ناقص) / مرور کارآمد / کاهش فاصله زمانی بین یادگیری یک مطلب و یادآوری آن / کاهش اثر تداخل مطالب / یادگیری با استراحت / ساماندهی مطالب / استفاده از رمزگردانی معنادار / مطالعه چندحسی / روش پس‌خبا / استفاده از چند روش حرکتی / بسط معنایی / تمایزبخشی / برگردان به زبان خودتان / آزمون مکرر



♦♦ درس ۵: تفکر (۱) حل مسئله ♦♦





♦♦ درس ۶: تفکر (۲) تصمیم‌گیری ♦♦

تعریف: ارزیابی راه حل‌های مختلف و انتخاب بهترین راه

- انواع تصمیم‌گیری
 - براساس تعداد اولویت ← (۱) ساده (۲) پیچیده
 - براساس اهمیت تصمیم ← (۱) مهم (۲) معمولی
 - براساس تعداد افراد تصمیم‌گیرنده ← (۱) فردی (۲) گروهی

- ملاک‌های تصمیم‌گیری
 - هزینه
 - مزیت (سودمندی)
 - خطر

- سبک‌های تصمیم‌گیری
 - تکانشی: با عجله و بدون محاسبه / همراه با پشیمانی
 - احساسی: بر مبنای احساسات زودگذر
 - وابسته: بر اساس اطاعت کورکورانه
 - اجتنابی: عملی نکردن تصمیم / امروز و فردا کردن
 - منطقی: براساس مشورت با دیگران و طبق قوانین

- مراحل تصمیم‌گیری
 - شناسایی و تعریف تصمیم مورد نظر
 - شناسایی تعداد انتخاب‌ها و اولویت‌ها
 - بیان ویژگی‌های هر انتخاب
 - ارزیابی پیامدهای هر انتخاب
 - اجرای بهترین اولویت
 - متعهدبودن به اجرای اولویت
 - بررسی پیامدهای اجرای اولویت مورد نظر

- موانع تصمیم‌گیری
 - سوگیری تأیید
 - اعتماد افراطی
 - کوچک‌شمردن خود
 - کنترل نکردن هیجانات

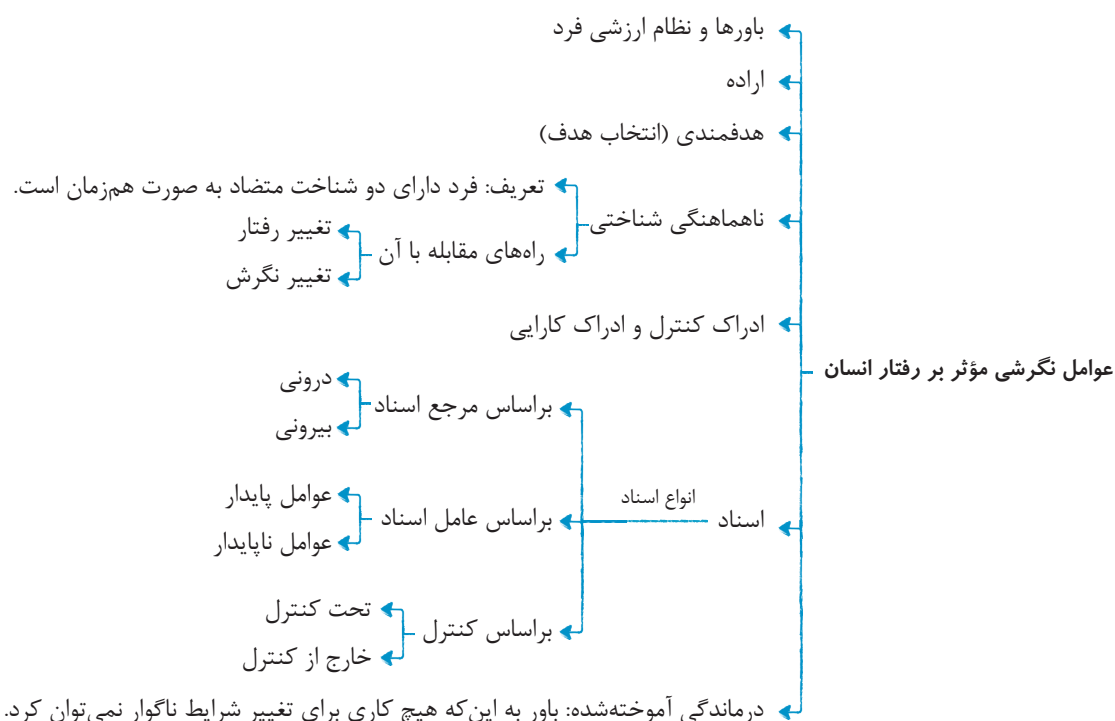
- پیامدهای ناتوانی در تصمیم‌گیری ← تعارض
 - گرایش - گرایش
 - گرایش - اجتناب
 - اجتناب - اجتناب

- پیشنهادهایی برای تصمیم‌گیری بهتر
 - شناسایی تصمیم مورد نظر
 - استفاده از سبک تصمیم‌گیری منطقی
 - استفاده از روش‌های میانبر در تصمیم‌گیری‌های پیچیده و مهم
 - شناسایی موقعیت‌های پرخطر



درس ۷: انگیزه و نگرش

- انگیزش: عاملی که ما را برمی انگیزد، به حرکت وامی دارد و به سوی رفتار معین سوق می دهد.
- نگرش: مجموعه عوامل فرازیستی که باعث به حرکت درآوردن رفتار و شناخت ما می شود.
- عامل بیرونی: عاملی خارجی که خود را به انجام کار وامی دارد.
- عامل درونی: فرد، کار یا فعالیت را به خاطر خود آن چیز انجام می دهد.





♦♦ درس ۸: روان شناسی سلامت ♦♦

تعریف: شاخه‌ای از علم روان‌شناسی که از یافته‌های آن برای پیشگیری و درمان بیماری‌های جسمانی بهره می‌برند.

اهداف: حفظ سلامت و ارتقای آن
پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها و درمان آن‌ها

پیوستار بیماری و سلامت: سلامت کامل → نسبتاً سالم → سلامت میانه → نسبتاً ناتوان → ناتوان کامل (مرگ)

نقش متغیرهای روان‌شناختی: عامل ایجاد بیماری‌های جسمانی
پیامد بیماری‌های جسمانی

تعریف سبک زندگی: مجموعه الگوهای رفتاری و شناختی که در زندگی روزمره از آن‌ها استفاده می‌شود.

تغذیه، رژیم غذایی مناسب با سن و جنس و رشد فرد

ورزش، انجام فعالیت‌های بدنی و ورزش‌های مناسب

تعریف: احساس ناخوشایند از ارزیابی مشکل

انواع: منفی
مثبت

علائم: جسمانی
شناختی
رفتاری
هیجانی

فشارهای روانی

راه‌های مقابله: سازگارانه → کوتاه‌مدت
ناسازگارانه → بلندمدت

تأثیر مذهب بر سلامت: تأثیر مستقیم؛ مانند توکل، رابطه با خدا و ...

تأثیر غیرمستقیم؛ مانند اجتناب از مصرف سیگار، الکل و ...